

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**اتهام بتپرستی**

به

**منادی یکتاپرستی**

۱۲ اسفند ۱۳۸۸

۱۶ ربیع الأول ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### طهارت مولد

۴

با تقدیم تهنیت و تبریک به مناسبت میلاد بهترین مخلوق عالم، حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و وجود مقدس حضرت امام صادق علیه السلام در این جلسه به بررسی شخصیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در دو نگاه عامه و خاصه (شیعیان) می‌پردازیم. سخن را از طهارت مؤلد حضرت صلی الله علیه و آله و سلم آغاز می‌کنیم و این‌که در نص زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام آمده است:

« لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا »<sup>(۱)</sup>.

دوران جاهلیت شما را آلوده نکرد و از جامعه‌های ناپاک شما را نپوشاند.

این سلسله نسب، طاهر و مطهر است تا حضرت آدم علیه السلام، و هرگز رجس و پلیدی بر دامن و ساحت مقام قدسی معصومین علیهم السلام وارد نشده است. درباره

۱. مفاتیح الجنان، زیارت وارث.

اجداد پیامبر ﷺ سخن فراوان است. به نظر می‌رسد حضرت عبدالمطلب علیه السلام شاخص‌ترین و برجسته‌ترین چهره در عصر معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. چنانچه به روایاتی که در باره آغاز آفرینش است، نظری بیفکنیم، به آنجا خواهیم رسید که خداوند نور پنج تن آل عبا علیهم السلام را در عرش به آدم علیه السلام نشان داد و سپس آن نور در صلب آدم و در نهایت در صلب عبدالمطلب و عبدالله علیهما السلام قرار گرفت.

سخن را درباره حضرت عبدالمطلب علیه السلام، از یک روایت که مرحوم صدوق رحمته الله در خصال نقل کرده است آغاز می‌کنیم. حضرت امام صادق علیه السلام از پدرانشان علیهم السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده‌اند که حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در وصیتی به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

« يا علي! إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَنَّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خَمْسَ سُنَنٍ أَجَارَهَا اللَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ، حَرَّمَ نِسَاءَ الْأَبَاءِ عَلَى الْأَبْنَاءِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ﴿ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ ﴾<sup>(۱)</sup>، وَوَجَدَ كَنْزًا فَأَخْرَجَ مِنْهُ الْخُمْسَ وَتَصَدَّقَ بِهِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ﴿ وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ ﴾<sup>(۲)</sup> وَلَمَّا حَفَرَ زَمْزَمَ سَمَّاهَا سِقَايَةَ الْحَاجِّ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﴿ أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ﴾<sup>(۳)</sup> وَسَنَّ فِي الْقَتْلِ مِائَةً مِنَ الْإِبْلِ فَأَجْرَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ، وَلَمْ يَكُنْ لِلطَّوَافِ عِدَّةٌ عِنْدَ قُرَيْشٍ، فَسَنَّ فِيهِمْ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، أَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ. يا علي! إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ

۱. سوره نساء، آیه ۲۲.

۲. سوره انفال، آیه ۴۱.

۳. سوره توبه، آیه ۱۹.

كَانَ لَا يَسْتَقْسِمُ بِالْأَزْلَامِ وَلَا يَعْْبُدُ الْأَصْنَامَ وَلَا يَأْكُلُ مَا ذُبِحَ عَلَى التُّصْبِ  
ويقول: أنا على دين أبي إبراهيم»<sup>(۱)</sup>.

ای علی علیه السلام! عبدالمطلب علیه السلام در دوران جاهلیت پنج سنت  
(عادت) را بنیان نهاد که خدا به حرمت عبدالمطلب علیه السلام این پنج  
سنت را میان مسلمانها جاری فرمود: ۱. عبدالمطلب علیه السلام زنهاى  
پدران را بر فرزندان حرام کرد؛ (یعنی اگر مردی با زنی ازدواج می  
کرد، فرزندان آن مرد بعد از او حق نداشتند با آن زن وصلت کنند)  
و خداوند متعال این سنت عبدالمطلب علیه السلام را میان مسلمانها به  
عنوان یک حکم قطعی مقرر و آیه شریف در سوره نکاح را نازل  
فرمود که می فرماید: «با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج  
کرده اند، ازدواج نکنید». ۲. عبدالمطلب علیه السلام گنجی یافت. قبل از  
این که آن را تصرف کند، یک پنجمش را به فقرا صدقه داد و  
خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «بدانید! هرگونه غنیمتی به  
دست آورید، خمس آن برای خدا است». ۳. وقتی  
عبدالمطلب علیه السلام موفق شد چاه زمزم را احیا کند و آب از چاه زمزم  
بیرون آورد، نام این چاه را سقایة الحاج گذاشت. (یعنی آبیاری  
برای حجّاج و زائران بیت الله) پس خداوند متعال نازل فرمود:  
«آیا سیراب کردن حجّاج و آباد ساختن مسجد الحرام را همانند  
کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده است؟» ۴.

سنت دیگر عبدالمطلب علیه السلام این بود که دیه قتل یک انسان را صد شتر قرار داد و خداوند همین قانون را در مورد دیه قتل انسان در اسلام مقرر فرمود. ۵. سنت دیگر او این بود که در میان قریش برای طواف دور کعبه، عدد معینی وجود نداشت؛ بنابراین ایشان در میان آنها طواف کعبه را هفت دور مقرر فرمود. و خداوند باز به احترام عبدالمطلب علیه السلام در حج و عمره و در طواف مستحبی، این هفت شوط (دور) را به عنوان یک قانون در اسلام جاری فرمود. ای علی علیه السلام عبدالمطلب علیه السلام نه اهل قمار بازی بود و نه بت پرست و نه از گوشت قربانی برای بتها می خورد و می گفت: من بر مسیر و آیین جدّم ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام حرکت می کنم.

در این روایت تصریح شده است که حضرت عبدالمطلب علیه السلام از پلیدی بت پرستی، از زشتی قمار بازی، از رجس و خوردن گوشت گوسفندان قربانی به پای بتها پرهیز داشت و این سخنی است که دیدگاه شیعه را درباره عبدالمطلب علیه السلام، جدّ اعلاّی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بیان می کند. مرحوم صدوق رحمته الله در کتاب اعتقادات و مرحوم مجلسی رحمته الله به نقل از صدوق رحمته الله این روایت را ذکر کرده اند:

«إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ كَانَ حُجَّةً وَإِنَّ أَبَا طَالِبٍ كَانَ وَصِيَّهُ»<sup>(۱)</sup>.

عبدالمطلب علیه السلام حجت خدا و ابوطالب علیه السلام هم وصی او بود. روایتی را که مرحوم صدوق نقل کرده است، مؤید حدیث دیگری است که

۱. الاعتقادات في دين الإمامية، صفحة ۱۱۰.

شیعیان به آن معتقدند و این حدیث از حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است:

«إِنَّ أَبَاطِلَ حُجَّةٍ مِنَ الْحُجَجِ».

به درستی که ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ یکی از حجج الهی است.

پس معلوم می‌شود که اجداد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا ابراهیم خلیل الرحمن و از ابراهیم تا آدم ابوالبشر عَلَيْهِ السَّلَامُ نه تنها موحد، مؤمن و مسلم بوده‌اند، بلکه بسیاری از آنان از حجج الهی میان مردم به شمار می‌رفته‌اند. مرحوم مجلسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در همین باب (مؤلّد النبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) روایتی را نقل کرده است:

«كُلُّ أَجْدَادِهِ إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانُوا مُسْلِمِينَ بَلْ كَانُوا مِنَ الصَّادِقِينَ، إِمَّا أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ أَوْ أَوْصِيَاءَ مَعْصومِينَ، وَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ لَمْ يُظْهِرِ الْإِسْلَامَ لِتَقِيَّةٍ أَوْ لِمَصْلَحَةٍ دِينِيَّةٍ»<sup>(۱)</sup>.

تمام اجداد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا آدم ابوالبشر عَلَيْهِ السَّلَامُ مسلمان بوده و بلکه از زمره صدیقین بوده‌اند؛ بعضی از آنها از انبیای مرسل و عده‌ای از آنها از اوصیای معصوم بوده‌اند، و اگر ایشان اظهار مسلمانی و اعتقاد به توحید نمی‌کردند یا به علت تقیه کردن از امتی که میان آنها زندگی می‌کردند، بوده است یا مصلحت دینی چنین اقتضا می‌کرده است.

مرحوم کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت دیگری را از ابن ابی عمیر، از جمیل بن درّاج، از زراره<sup>(۲)</sup> ذکر کرده است:

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۵ صفحه ۱۱۷.

۲. تمام اسناد این روایت از اجلاء روات و صحاح هستند.

« عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يُحَسَّرُ عَبْدُ الْمُطَّلَبِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَاحِدَةً، عَلَيْهِ سِيْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَهَيْبَةُ الْمُلُوكِ »<sup>(۱)</sup>.

امام صادق عليه السلام فرمودند: عبدالمطلب عليه السلام در قیامت به تنهایی محشور می شود (امتی ندارد) در حالی که بر چهره نورانی اش سیمای پیامبران و هیمنه سلاطین و پادشاهان آشکار است.

این وجاهت و عظمت عبدالمطلب عليه السلام در عرصه محشر است. مرحوم صدوق رحمته الله از حضرت امیرالمؤمنین علی عليه السلام در کمال الدین<sup>(۲)</sup> روایت کرده که حضرت فرمودند:

« وَاللَّهِ! مَا عَبْدَ أَبِي وَلَا جَدِّي عَبْدُ الْمُطَّلَبِ وَلَا هَاشِمٍ وَلَا عِبْدَ مَنْافٍ صَنَمًا قَطُّ. قِيلَ لَهُ: فَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ؟ قَالَ عليه السلام: كَانُوا يُصَلُّونَ إِلَى الْبَيْتِ عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ مَتَمَسِّكِينَ بِهِ »<sup>(۳)</sup>.

به خدا سوگند! نه پدرم و نه جدم عبدالمطلب و نه هاشم و نه عبد مناف عليه السلام، هرگز در طول عمرشان بت نپرستیدند. سؤال شد: پس ایشان چه می پرستیدند؟ حضرت عليه السلام فرمودند: آنها به سمت خانه کعبه، به قانون دین جدمان ابراهیم عليه السلام نماز می خواندند و به دین ابراهیم عليه السلام پای بند بودند.

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۴۴۷.

۲. کمال الدین کتابی است که مرحوم شیخ صدوق رحمته الله برای اثبات وجود مقدس حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته است.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، صفحه ۱۷۵.

## عقیده اهل سنت نسبت به عبدالمطلب عليه السلام

گفتنی است که میان علمای اهل سنت درباره دین اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اختلاف بسیاری وجود دارد. جمعی از آنها همچون شیعیان، عقیده دارند که پدر و مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اجداد ایشان، همگی موحد و خدا پرست بوده‌اند و برخی دیگر ایشان را کافر دانسته‌اند.

شهرستانی - که از علمای اهل سنت است - در کتاب ملل و نحل درباره اعتقاد عبدالمطلب عليه السلام نسبت به قیامت و باور به عالم دیگر چنین آورده است که ایشان می‌فرمود:

« وَاللَّهِ ! إِنَّ وَرَاءَ هَذِهِ الدَّارِ دَارٌ يُجْزَى فِيهَا الْمُحْسِنُ بِإِحْسَانِهِ وَيُعَاقَبُ  
الْمُسِيءُ بِإِسَاءَتِهِ »<sup>(۱)</sup>.

سوگند به خدا که و رای این عالم (جهان) عالم دیگری است که در آن عالم، نیکوکاران سزای احسان‌شان را می‌بینند و گنهکاران هم به نتیجه سیئاتشان خواهند رسید.

روشن است که این سخن نشان از باور حضرت عبدالمطلب عليه السلام به معاد و عل الهی دارد، باوری که از جمله عقاید صحیح یگانه پرستان و موحدان است. بنابراین علاوه بر شیعیان می‌توان ردپای نفی ادیان باطل توسط جد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در کتب اهل سنت به وضوح نظاره کرد.

۱. الغدير، جلد ۷ صفحه ۳۵۳ و از منابع اهل سنت: ملل و نحل، جلد ۲ صفحه ۲۴۰.

## فرزند دو ذبیح

رسول خدا ﷺ درباره پدر گرامی‌شان عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«أَنَا ابْنُ الذَّبِيحَيْنِ»<sup>(۱)</sup>.

من فرزند دو قربانی هستم.

دو قربانی که در این کلام به آنها اشاره شده، یکی اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام است که برای او فدیة آمد و خداوند پس از امتحان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام گوسفندی را برای قربانی کردن فرستاد، و دیگری عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام است که قرار بود قربانی شود و به جای کشته شدن او، صد شتر فدیة داده شد.

## عقیده اهل سنت در مورد عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام (پدر پیامبر ﷺ)

داستانی که نقل می‌شود در بسیاری از کتب اهل سنت از جمله سیره هشام، تاریخ طبری و الکامل فی التاریخ ذکر شده است.

اهل سنت می‌گویند: ورقة بن نوفل نصرانی خواهری به نام فاطمه خثعمیه داشت که شیفته عبدالله (پدر رسول الله ﷺ) شده بود. روزی که عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام برای وصلت با آمنه عَلَيْهَا السَّلَام همراه عبدالمطلب عَلَيْهِ السَّلَام به خانه وهب می‌رفت، سر راه عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام را گرفت و از او مطالبه رفاقت و ... کرد. عبارت تاریخ اهل سنت این است: به عبدالله گفت: اگر خواهش مرا بپذیری، «لَكَ مِثْلُ الْإِبِلِ الَّتِي نُحَرِّتُ عَنْكَ» به اندازه شترانی که به جای تو قربانی شد، به تو خواهیم بخشید (ببینید تاریخ

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۳.

اهل سنت چگونه درباره عبدالله عليه السلام قضاوت می‌کند) می‌گویند: عبدالله مایل بود، ولی گفت:

«أنا مع أبي ولا أستطيعُ خلافه ولا فراقه».

من همراه پدرم هستم و قدرت مخالفت و جدایی از او را ندارم. عبدالله به راه خود ادامه داد و با آمنه ازدواج نمود و آمنه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باردار شد. بعد از مدتی عبدالله عليه السلام نزد خواهر ورقه بن نوفل آمد و گفت: چرا خواهش خود را دوباره تکرار و از من درخواست رفاقت و ازدواج نمی‌کنی؟ آن زن در جواب گفت:

«ليس لي بك اليوم حاجة، فلقد فارقك النور الذي كان معك أمس»<sup>(۱)</sup>.

امروز دیگر به تو احتیاجی ندارم، زیرا نوری که دیروز در سیمای تو مشاهده کردم، امروز از وجودت رخت بریسته است. آیا واقعاً می‌توان پذیرفت عبدالله عليه السلام که بر اساس باور شیعیان مؤمن و موحد است، با پدری مثل عبدالمطلب عليه السلام در کوچه و بازار برای رفتن به مجلس عروسی حرکت کند و دختری سر راه وی را بگیرد و چنین تقاضایی کند، و عبدالله هم در برابر پدرش این گونه پاسخ دهد؟ کاملاً پیداست دروغ‌هایی از این قبیل به جهت مخدوش نمودن چهره عبدالله پدر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ساخته می‌شود و گرنه عبدالله عليه السلام، مؤمن و موحد بود. مسلم در صحیحش چنین نقل کرده است:

۱. الکامل فی التاریخ، جلد ۲ صفحه ۸، تاریخ طبری، جلد ۲ صفحه ۶، السیره النبویه، جلد ۱ صفحه ۱۷۷.

«إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ، فَقَالَ أَيْنَ أَبِي؟ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي النَّارِ. فَلَمَّا قَفَى، دَعَاهُ فَقَالَ: إِنَّ أَبِي وَأَبَاكَ فِي النَّارِ»<sup>(۱)</sup>.

شخصی که پدرش مرده بود، محضر پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: یا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! پدر من کجاست؟ حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: پدرت در آتش است. هنگامی که آن مرد برگشت، حضرت وی را صدا زده و فرمودند: غصه نخور! پدر من و پدر تو هر دو در آتش جهنم اند. اهل سنت روایت دیگری نقل می‌کنند که دو نفر نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و از اوضاع مادر خود در آن دنیا سوال نمودند. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«أُمَّكُمَا فِي النَّارِ؛

مادر شما در آتش است.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام خروج آن دو، ناراحتی را در چهره آنان دیدند، دستور دادند تا برگردند و به آنها فرمودند:

أُمِّي مَعَ أُمَّكُمَا فِي النَّارِ»<sup>(۲)</sup>.

مادر من نیز همراه مادر شما در آتش است.

با این مطالب، عقیده ما شیعیان درباره اجداد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عقیده اهل سنت، روشن شد. اینها همان کسانی هستند که آزر را که در قرآن از او با عنوان پدر ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام یاد شده، واقعاً حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانند، در حالی که

۱. صحیح مسلم، جلد ۱ صفحه ۱۳۳، شرح صحیح مسلم، جلد ۳ صفحه ۷۹، السنن الکبری، جلد ۷ صفحه ۱۹۰، مسند ابی یعلی، جلد ۶ صفحه ۲۲۹، سنن ابی داود، جلد ۲ صفحه ۴۱۷.  
 ۲. از منابع اهل سنت: مسند أحمد، جلد ۱ صفحه ۳۹۸، المعجم الکبیر جلد ۱۰ صفحه ۸۰، المستدرک، جلد ۲ صفحه ۳۶۴ و الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۲۸۴.

مفسران شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت نوشته‌اند که پدر حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام شخصی بود به نام تارخ، و آزر عموی ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بود؛ او کسی بود که با مادر ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام - بعد از وفات پدرش - وصلت کرد. در زبان عربی به عمو، پدر نیز می‌گویند<sup>(۱)</sup>؛ لذا اهل سنت حتی پدر ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را هم به کفر و شرک متهم و مستحق عذاب جهنم می‌دانند.

### عقیده اهل سنت دربارهٔ مذهب رسول الله عَلَيْهِ السَّلَام قبل از بعثت

اکنون در مورد مسلک و مذهب آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دوران قبل از بعثت و نبوتشان به بحث خواهیم پرداخت. مسلماً در این موضوع، به نکات دور از ذهن و بی‌معنایی از سوی اهل سنت بر می‌خوریم که هرگز برای ما شیعیان قابل قبول نیست و صد البته اگر آنان نیز با منطق و دلیل آشنا باشند، سخنان خودشان را غیر قابل قبول خواهند یافت.

بخاری در جلد چهارم و ششم کتابش (صحیح بخاری که به عقیده اهل سنت تالی قرآن است)، احمد بن حنبل در کتاب مسندش (جلد اول و دوم) و مجمع الزوائد (از کتب معتبر اهل سنت) روایاتی نقل کرده‌اند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از بعثت و برگزیده شدنشان به رسالت، اصنام قریش (لات، عزی، منات و هبل) را دوست می‌داشتند. و برای آنها قربانی می‌کردند و گوشت آن قربانی‌ها را

۱. بحار الأنوار، جلد ۲ صفحه ۴۸، و از منابع اهل سنت: تفسیر القرطبی، جلد ۷ صفحه ۲۲، تفسیر ابن کثیر، جلد ۲ صفحه ۱۵۵، تفسیر ابن ابی حاتم، جلد ۴ صفحه ۱۳۲۵ و تفسیر النسفی، جلد ۱ صفحه ۳۳۱ برای اطلاع بیشتر به کتب تفاسیر در ذیل آیه ۷۴ سوره انعام مراجعه نمایید.

می‌خوردند که قبلاً روایتش (روایت جعلی آنها) را نقل کردیم. کار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این‌گونه بود که به همراه برخی دوستان خود به صحرا می‌رفتند و گوسفندی برای لات و عَزْرَى قربانی می‌کردند و با گوشت همان گوسفند، غذا درست می‌کردند و می‌خوردند، تا این که یک روز زید بن عمرو بن نُفَيْل - پسر عموی خلیفه دوم - آمد و دید که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین کرده‌اند، پس ایشان را از این کار بر حذر داشت و از این به بعد بود که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دیگر گوشت قربانی برای بتها را نمی‌خوردند.

این روایت در یک کتاب معمولی اهل سنت روایت نشده، بلکه بخاری آن را در دو جای کتاب صحیحش (جلد چهارم و ششم) روایت کرده، احمد بن حنبل - که مسندش یکی از صحاح ششگانه است - آن را در دو جا روایت کرده، و این مطلب از عجائب است. این روایت نشان می‌دهد که از منظر اهل سنت، کسانی مثل زید بن عمرو بن نُفَيْل، مؤمن‌تر، فهیم‌تر و چه بسا شایسته‌تر از پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای نبوت هستند. کسی که قبل از اسلام، بفهمد قربانی نمودن برای بت خوب نیست، بهتر است پیامبر شود، یا کسی که قربانی برای بتها را می‌خورد؟!

بنابراین از منظر اهل سنت، شخصی مانند زید بن عمرو بن نُفَيْل بر دین حنیف ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بوده است، در حالی که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دین آباء و اجدادی‌شان را قبول نداشته‌اند! آیا واقعاً پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشرک بوده‌اند؟ چرا خداوند زید بن عمرو بن نُفَيْل - که با تقواتر از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است - را به نبوت مبعوث نکرد؟! چرا خداوند کسی را که مشرک بود و قربانی بتها را می‌خورد، برای پیامبری انتخاب کرد؟ خود اهل سنت در کتب تاریخی‌شان نوشته‌اند که همین زید بن

عمرو بن نفیل در زمان بعثت پیامبر ﷺ زنده بوده است، پس او که این قدر مرد متقی و با فهمی بود، چرا به پیامبر ﷺ ایمان نیاورد و مسلمان نشد؟<sup>(۱)</sup>

آیا اهل سنت بر این باورند که بعضی افراد به نبوت احتیاج ندارند؟ از ظاهر بعضی حرف‌های اهل سنت، چنین بر می‌آید که زید بن عمرو بن نفیل، به نبی محتاج نبوده و خودش آگاه بوده است، همچنان که در مورد پسر عمویش (عمر بن خطاب) نیز گفته‌اند که او قبل از این که قرآن نازل بشود، احکام الهی را می‌فهمید<sup>(۲)</sup>؛ مثل این‌که او هم احتیاجی به پیامبر ﷺ نداشته است. این عقده‌ها و کینه‌ها است که اهل سنت را به چنین انحرافات کشانده است. ما شیعیان به حکم این آیه شریف:

۱۵

﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۳)</sup>.

من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم، ابراهیم عرض کرد: از دو دمان من؟! خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد. معتقدیم نبوت و امامت به ظالمان داده نمی‌شود.

و طبق این آیه شریف، شرک، از مصادیق بارز ظلم است:

﴿يَا بَنِي لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾<sup>(۴)</sup>.

پسرم چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.

۱. از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۴۱۸، سنن الکبری، جلد ۵ صفحه ۵۴،

ر.ک: نقد این مطلب، جزوه شماره ۸۷.

۲. ر.ک: نقد این مطلب، جزوه شماره ۸۱.

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۴. سوره لقمان، آیه ۱۳.

خداوند وعده کرده است که مقام امامت، منصب نبوت و جایگاه رسالت، به ظالمان داده نمی‌شود. آیا کسی که ظالم است سزاوار چنین جایگاهی است؟ قرآن خودش، چنین حرکتی را نفی می‌کند. پس اهل سنت چگونه می‌گویند پیامبر ﷺ لات و منات و هبل و عزری را دوست می‌داشتند و برای آنها قربانی می‌کردند و یک مشرک بودند؟ العیاذ بالله، اگر پیامبر ﷺ مشرک بودند چگونه خداوند یک جا به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام وقتی از خدا می‌خواهد که این پیمان و این عهد امامت و رسالت را در خاندان من قرار بده (ومن ذریتي) در جواب او می‌فرماید: « لا ینال عهدي الظالمین »؛ اما در مورد پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین مقامی را به یک ظالم می‌دهد؟! این که خلاف صریح قرآن است. شواهد تاریخی اهل سنت نیز این اعتقاد را نفی می‌کند؛ به عنوان مثال، یکی از مورخان اهل سنت به نام کازرونی، چنین روایت کرده است:

« لَمَّا تَمَّ لَهُ ثَلَاثَ سِنِينَ ، قَالَ يَوْمًا لِأُمِّهِ : مَا لِي لَا أَرَى أَخَوِي بَالْتِهَارٍ ؟  
 قَالَتْ : إِنَّهُمَا يَرْعِيَانِ غَنِيمَاتٍ . قَالَ : فَمَا لِي لَا أَخْرَجُ مَعَهُمَا ؟ قَالَتْ  
 أَتَحِبُّ ذَلِكَ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، فَلَمَّا أَصْبَحَ دَهْنَتُهُ وَكَحَلَتُهُ وَعَلَقَتْ فِي عُنُقِهِ  
 خَيْطًا فِيهِ جِزْعُ يَمَانِيَّةٍ ، فَتَزَعَهَا ثُمَّ قَالَ لِأُمِّهِ : مَهَلًا يَا أُمَّاهُ ! فَإِنْ مَعِيَ مَنْ  
 يَحْفَظُنِي »<sup>(۱)</sup>.

وقتی سه سالگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کامل شد، روزی به مادر رضاعی‌شان فرمودند: چرا من دو برادرم را روزها نمی‌بینم؟

۱. از منابع اهل سنت: المنتقى في أحوال المصطفى (الكازروني) به نقل از بحار الأنوار جلد ۱۵ صفحه ۳۹۲.

حلیمه سعدیه در جواب گفت: دو برادرت صبح که می شود،  
 گوسفندهای کوچک را برای چریدن بیرون می برند. پیامبر ﷺ  
 فرمودند: چرا من نمی توانم همراه آنان بروم؟ حلیمه گفت: شما  
 هم دوست داری با برادرانت بروی؟ پیامبر ﷺ فرمودند: بلی.  
 صبح که شد، حلیمه سعدیه به حضرت ﷺ روغن مالید، سر مه  
 کشید و گردنبندی به گردن ایشان ﷺ انداخت که مهره هایی از  
 جنع یمانی در آن بود. وقتی پیامبر ﷺ گردنبند را دیدند آن را  
 کردند و دور انداختند و فرمودند: مادر! این چیست که برگردن  
 من انداختی؟ کسی همراه من است که مرا حفظ می کند.

طفل سه ساله ای با یک عمل خرافی در آن زمان مبارزه می کند و گردنبندی را  
 که به عنوان حرز به گردن می انداختند دور می اندازد. آیا صحیح است که بگوییم  
 ایشان در بزرگسالی مشرک بوده و برای بتها قربانی می کرده و نمی دانسته اند که  
 خدای واحد چه کسی است؟!

### بحیرا و ملاقات با پیامبر ﷺ

یکی از وقایع جالب و خواندنی زندگانی رسول خدا ﷺ، داستان دیدار  
 بحیرای راهب با ایشان ﷺ است. داستانی که نشان می دهد پیامبران  
 پیشین ﷺ نیز از آمدن رسول خدا ﷺ خبر داده بودند و کج فهمی و جهالت  
 مردم در آن زمان، باعث شده بود که آنها از این موضوع غافل باشند.  
 در کتاب البدایة والنهاية آمده است که پیامبر ﷺ در سن ۲۰ تا ۲۵ سالگی،

دو سفر به شام داشتند. در سفر اول با عمومی بزرگوارشان حضرت ابو طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ همراه بودند، سفری که بحیرای راهب حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ملاقات کرد و به ایشان چنین گفت:

«أَسْأَلُكَ بِحَقِّ اللَّاتِ وَالْعَزَىٰ إِلَّا أَخْبَرْتَنِي عَمَّا أَسْأَلُكَ عَنْهُ . وَإِنَّمَا قَالَ لَهُ بِحَيْرِي ذَلِكَ ، لِأَنَّهُ سَمِعَ قَوْمَهُ يَحْلِفُونَ بِهِمَا فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ : لَا تَسْأَلْنِي بِاللَّاتِ وَالْعَزَىٰ شَيْئاً فَوَاللَّهِ مَا أَبْغَضْتُ شَيْئاً قَطُّ بَغْضَهُمَا»<sup>(۱)</sup>.

به لات و عزّی تو را سوگند می‌دهم به سؤالات من پاسخ دهی. همانا بحیرای این چنین سوگند داد، زیرا شنیده بود که قوم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین سوگند یاد می‌کنند، پس چنین گمانی به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بردند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمودند: با سوگند به لات و عزّی از من چیزی نخواه، سوگند به خدا که من به هیچ چیزی به مانند آن دو بغض و کینه ندارم!

آیا کسی که در نوجوانی اش در مورد لات و عزّی چنین می‌گوید، در بزرگسالی و قبل از بعثتش برای این دو بت، قربانی می‌کند؟! آیا بین اهل سنت یک انسان عالم و عاقل که بر تمام کتب روایی و تاریخی‌شان آگاه و واقف باشد، پیدا نمی‌شود که این تعارض‌ها را به آنها نشان بدهد و مبنای اعتقادی آنان را زیر سؤال ببرد؟! سپس بحیرای راهب گفت: شما را به خدا قسم می‌دهم که پاسخ سؤال‌های مرا بدهید! پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب فرمودند: اکنون که مرا به خداوند قسم دادی، هر چه می‌خواهی سؤال کن.

۱. البدایة والنّهایة، جلد ۲ صفحه ۳۴۶، تاریخ مدینه دمشق، جلد ۳ صفحه ۱۱.

## نفرت پیامبر ﷺ از بتها در کلام اهل سنت

نفرت و بغض رسول خدا ﷺ از لات و عزی به حدی شدید بود که هر جا نام آن دو برده می‌شد، از آنها ابراز بیزارى می‌کردند. برای اثبات این مطلب به دو نقل زیر تمسک می‌جوییم:

۱. ایشان ﷺ فرمودند:

« ما حلفت بهما قطّ ، وإنّی أمرّ فأعرض عنهما »<sup>(۱)</sup>.

من هرگز به آن دو سوگند نخوردم و هنگامی که از کنارشان می‌گذرم، از آنها روی می‌گردانم.

۲. ایشان ﷺ در سخن دیگری فرمودند:

« فما تكلمت العرب بكلمة أثقل عليّ من هذه الكلمة »<sup>(۲)</sup>.

عرب به کلامی سخن نگفته که بر من سنگین‌تر باشد از این کلام (یعنی سوگند به لات و عزی).

باید توجه داشت که پیامبر ﷺ در نوجوانی وقتی نام لات و عزی برده می‌شد، این‌گونه عکس‌العمل نشان می‌دادند و این، سخنانی است که اهل سنت در کتب تاریخ خود نوشته‌اند؛ اما از طرفی در کتب روایی خود می‌گویند که پیامبر خاتم ﷺ قبل از این که به نبوت برسند بت می‌پرستیدند و مشرک بودند. بت‌ها را دوست می‌داشتند و برای بت‌ها قربانی می‌کردند، سپس از گوشت قربانی شده برای لات و عزی غذا طبخ کرده و می‌خوردند!!

۱. الطبقات الكبرى، جلد ۱ صفحه ۱۳۰.

۲. بحار الأنوار، جلد ۱۶ صفحه ۱۸.

## پیامبر ﷺ قبل از بعثت، در کلام حضرت امیرالمؤمنین علیؑ

حضرت امیرالمؤمنین علیؑ در خطبهٔ قاصعه - که یکی از مفصل‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه است - پیامبر ﷺ قبل از بعثت را، این‌گونه معرفی می‌کنند.

« ولقد قرن الله به ﷺ من لدن أن كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته يسلك به طريق المكارم ومحاسن اخلاق العالم ليلة ونهاره ولقد كنت معه ولقد كنت أتبعه أتباع الفصيل أثر أمه . يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علماً ويأمرني بالاعتداء به . ولقد كان يجاور في كل سنة بحراء فأراه ولا يراه غيري ، ولم يجمع بيتاً واحداً يومئذ في الإسلام غير رسول الله ﷺ وخديجة عليهما ، أرى نور الوحي والرسالة وأشم ریح النبوة»<sup>(۱)</sup>.

خداوند متعال آن وجود نازنین ﷺ را از موقعی که از شیر گرفته شد، شب و روز با بزرگ‌ترین فرشتگانش همراه فرمود، تا آن حضرت ﷺ را در مسیر اکتساب صفات شریف و بهترین اخلاق دنیا قرار دهد. من همواره شبانه روز دنبال ایشان بودم، همان‌گونه که بچهٔ شتر دنبال مادرش می‌رود. آن برگزیدهٔ خداوندی در هر روزی که می‌گذشت، پرچمی از اخلاق را برای من می‌افراشت و دستور می‌داد که از ایشان پیروی نمایم، و هر

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

سال در کوه حرا مجاور می‌گشت، من ایشان را می‌دیدم و کسی جز من ایشان را نمی‌دید. در آن روز اسلام و مسلمانی در هیچ خانه‌ای نبود، غیر از خانه رسول خدا ﷺ و خدیجه علیها السلام و من سومین آنان بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و عطر پیامبری را استشمام می‌کردم.

دیدگاه شیعیان در مورد پیامبر ﷺ برگرفته از معرفی قرآن مجید و قدیمی‌ترین و نزدیک‌ترین همراه رسول اکرم ﷺ یعنی امیر مؤمنان علیها السلام است. بر اساس دیدگاه شیعه ایشان از خردسالی، خداشناس و موحد بوده و هرگز شرک دامن ایشان را نیالوده است.

### حضرت عیسی و یحیی، حضرت پیامبر خاتم ﷺ

حضرت عیسی علیها السلام پیامبر اولی العزم، حضرت یحیی علیها السلام یک پیامبر معمولی بود؛ خداوند یحیی علیها السلام را این گونه معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿ يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا \* وَحَنَانًا مِّنَ لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ﴾<sup>(۱)</sup>.

ای یحیی! کتاب [خدا] را با قوت بگیر و مادر کودکی فرمان نبوت به او دادیم \* و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم و پاکی [دل و جان] و او پرهیزکار بود.

یحیی علیها السلام باید در کودکی پیامبر موحد باشد و یا عیسی علیها السلام در روزهای اول ولادتش بگوید:

۱. سوره مریم، آیه ۱۲-۱۳.

﴿ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا \* وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴾<sup>(۱)</sup>.

گفت من بنده خدایم. او کتاب به من داده و مرا پیامبر قرار داده است \* و مرا هر جا که باشم، وجودی پر برکت قرار داده و تا زمانی که زنده‌ام، من را به نماز و زکات توصیه کرده است.

یعنی کودکی دو - سه روزه، پیامبر باشد، حکم نبوت بگیرد و کتاب داشته باشد؛ اما آیا درست است بگوییم کسی که خداوند او را به عنوان خاتم الانبیاء ﷺ ذخیره کرده است و باید تا روز قیامت، حلالش حلال و حرامش حرام باشد<sup>(۲)</sup>، تا قبل از چهل سالگی، مشرک بوده باشد. این چه تفکر و اندیشه‌ای است؟! این سخنان را، گذشتگان یا جاهلان از اهل سنت، نگفته‌اند، بلکه بخاری و احمد بن حنبل این روایت را در کتابشان نقل کرده‌اند، و سپس با این مبنی و تفکر به بعضی از آیات قرآن هم تمسک کرده‌اند. یکی از این آیات، آیات مبارک سوره ضحی است:

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالضُّحَى \* وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى \* مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى \* وَلَا خِرَّةَ خَيْرُ لَكَ مِنَ الْأُولَى \* وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى \* أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ﴾<sup>(۳)</sup>.

۱. همان، آیه ۳۰-۳۱.

۲. بحار الأنوار، جلد ۸۶ صفحه ۱۴۹، از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۵ صفحه ۷۲، سنن الدارمی، جلد ۱ صفحه ۱۱۵ و کنز العمال، جلد ۱ صفحه ۱۹۶.

۳. سوره ضحی، آیه ۱ تا ۷.

به نام خداوند بخشنده بخشایش گر \* قسم به روز! در آن هنگام که آفتاب بر آید \* و سوگند به شب! در آن هنگام که آرام گیرد \* که خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است \* و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است \* و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی \* آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد \* و تو را گمشده یافت و هدایت کرد .

اهل سنت می‌گویند: قرآن بر گمراه بودن رسول خدا ﷺ تصریح کرده و می‌فرماید: تو گمراه بودی و ما تو را هدایت کردیم: ﴿ضَالًّا فَهْدَى﴾ .

لغت «ضَلَّ» معانی گوناگونی دارد؛ یکی از معانی آن، گمراهی در مقابل رشد و هدایت است و در چند معنای دیگر هم به کار رفته است، مثلاً به کسی که می‌گردد تا چیزی را پیدا کند، ضال می‌گویند. همچنین به معنای کسی است که دنبال دریافت یک امر پنهانی است<sup>(۱)</sup>.

### معنی ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهْدَى﴾ از کلام حضرت امام رضا علیه السلام

علما و مفسران ما باید دقت داشته باشند که در تفسیر قرآن، هر کجا با مشکل مواجه شدند باید سراغ کلام اهل بیت علیهم السلام بروند؛ زیرا: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»<sup>(۲)</sup>.

به درستی که تنها مخاطب قرآن، آن را خواهد شناخت. قرآن را اهل بیت علیهم السلام می‌فهمند، پس، تفسیر قرآن را باید از آنها فرا گرفت.

۱. الزائد، جلد ۲ صفحه ۱۱۰۵.

۲. کافی، جلد ۸ صفحه ۳۱۲.

ما نباید قرآن را تفسیر به رأی کنیم و این بدترین حرکتی است که امروزه در حال رواج است. نباید در تفسیر قرآن، تحت تأثیر فلاسفه یونان یا تحت تأثیر متأثران از فلسفه یونان قرار گرفت. قرآن را باید از خانه اهل بیت علیهم السلام فرا گرفت. اگر قرار بود ما خودمان قرآن را بفهمیم، دیگر «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ»<sup>(۱)</sup> معنی نداشت و آن وقت ما می شدیم پیرو همان کسی که گفت: «حسبنا كتاب الله»<sup>(۲)</sup>.

بنا به نقل کتاب «عیون أخبار الرضا علیه السلام» حضرت امام رضا علیه السلام این آیه شریف را چنین تفسیر کرده اند:

«ألم يجدك يتيماً فأوى، أي ألم يجدك وحيداً فأوى إليك الناس، ووجدك ضالاً عند قومك، فهداهم إلى معرفتك»<sup>(۳)</sup>.

«آیا تو را یتیم نیافت پس پناه داد» یعنی: آیا تو را تنها نیافت، پس مردم را به سوی تو جمع نمود، و مردم تو را گمراه می شمردند پس آنان را به شناخت تو، هدایت نمود؟

بر اساس تفسیری که حضرت امام رضا علیه السلام ارائه می دهند، خداوند این گونه با پیامبرش سخن می گوید: تو در آغاز کار یک پیامبر تنها بودی که فقط همسرت و یک نوجوان سیزده - چهارده ساله به تو ایمان آورد؛ اما خدا تو را یاری کرد و همه مردم گرد تو جمع شدند. و خداوند دید که تو میان قومت متهم به گمراهی هستی. قرآن می گوید: به او تهمت ساحر بودن زدند<sup>(۴)</sup>، به او تهمت دروغ گویی

۱. مسند أحمد، جلد ۳ صفحه ۱۴ و السنن الكبرى، جلد ۷ صفحه ۳۰.

۲. مسند أحمد، جلد ۱ صفحه ۳۲۵ و صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۱۳۸.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، جلد ۲ صفحه ۱۷۷.

۴. سوره فرقان، آیه ۸.

زدند<sup>(۱)</sup>، به او تهمت بیمار بودن زدند. همه این‌ها را گفتند، اما: «وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَاهُمْ»، همان قومی که به تو سنگ زدند، همان قومی که خاکستر بر سرت ریختند، همان قومی که شکمبه شتر بر سرت خالی کردند<sup>(۲)</sup>، همان قومی که تو را مجبور کردند در شعب ابی طالب<sup>(۳)</sup> پناه بگیری و تو را در آنجا زندانی کردند و نمی‌گذاشتند غذا به تو برسد.

تو در این وضعیت بودی و مردم به تو بد نگاه می‌کردند؛ اما خداوند همین مردم را هدایت کرد: «هداهم إلی معرفتك».

پس تمسک به آیات متشابه قرآن، بدون فهمیدن مراد آن آیات صحیح نیست. الان هم خیلی‌ها به آیات قرآن تمسک می‌جویند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾<sup>(۴)</sup>.

واز قرآن آن چه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران نمی‌افزاید.

مثنوی ما چو قرآن مدل هادی بعضی و بعضی را مضل<sup>(۵)</sup>

۱. سوره شعرا، آیه ۱۸۶.

۲. از منابع اهل سنت: السیره النبویة (ابن هشام)، جلد ۲ صفحه ۵۷ و تاریخ اسلام (ذهبی)، جلد ۱ صفحه ۲۱۶.

۳. در آن دوران در شعب، یک پوست خشک شده شتر پیدا کردند، آن را آرد کردند و با آن نان درست کردند، از منابع اهل سنت: تاریخ اسلام (ذهبی)، جلد ۱ صفحه ۲۲۷.

۴. سوره اسراء، آیه ۸۲.

۵. شعری از شیخ بهایی رحمته الله علیه.

بعضی‌ها قرآن را می‌خوانند و هدایت می‌شوند و بعضی‌ها هم قرآن را می‌خوانند، اما به ضلالت و گمراهی منتهی می‌شوند؛ یعنی اعتقاداتشان درباره اشرف مخلوقات، افضل کائنات، خاتم الانبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، کسی که خداوند در قرآن به جان او قسم یاد می‌کند سُست و ضعیف می‌شود. بعضی ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را متهم می‌کنند که تا چهل سالگی - العیاذ بالله - به قدر زید بن عمرو بن نفیل هم نمی‌فهمیده‌اند!!

این شاء الله این بحث را در آینده دنبال می‌کنیم و امیدواریم خداوند متعال عیدی همه ما را در این شب، به برکت این دو مولود بزرگ - رئیس دین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و رئیس مذهب حقّه عَلَيْهِ السَّلَام - (که این هم خود از لطائف تاریخی است که در یک شب اتفاق افتاده) معرفت کامل به مقام عصمت، قرار بدهد.

« والسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

## خودآزمایی

۱ زیارت وارث، پاکی و طهارت حضرات معصومین علیهم السلام را چگونه ترسیم می‌کند؟

۲ آیا اجداد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موحد و از حجت‌های الهی بوده‌اند؟

۳ کتب تاریخی اهل سنت در مورد عبدالله علیه السلام و خواهر ورقه بن نوفل چه داستانی بیان می‌کنند؟

۴ آیا پذیرفتنی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پدر و مادر خود را جهنمی بدانند؟

۵ کتب اهل سنت چهره زید بن عمرو بن نفیل را چگونه ترسیم می‌کنند؟

۶ نفرت و بغض رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت نسبت به لات و عزی در چه حدی بود؟

۷ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دوران قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را چگونه تبیین می‌کنند؟

۸ با توجه به نبوت و شخصیت حضرت عیسی و حضرت یحیی علیهما السلام چگونه می‌توان شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به دور از آلودگی ترسیم نمود؟  
۹ حضرت امام رضا علیه السلام در مورد تفسیر آیه ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ چه می‌فرمایند؟

۱۰ یتیم معرفی کردن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن چه مقصودی را دنبال می‌کند؟

۱۱ مشرکان چه اتهاماتی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌زدند؟

۱۲ تناقض موجود در کتب تاریخی و کتب روایی اهل سنت در مورد پیشینیان اعتقادی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را توضیح دهید.

خداوند وعده کرده است که مقام امامت ،  
منصب نبوت و جایگاه رسالت ، به ظالمان داده  
نمی شود ، آیا کسی که ظالم است سزاوار چنین  
جایگاهی است ؟ قرآن خود ش ، چنین حرکتی را  
نفی می کند . پس اهل سنت چگونه می گویند  
پیامبر ﷺ لات و منات و هبل و عزری را دوست  
می داشتند و برای آنها قربانی می کردند و یک  
مشرك بودند ؟ العیاذ بالله ...

( صفحه ۱۶ از همین جزوه )

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام ، جنب قائمیه ، فروشگاه آوای مهر .  
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد .  
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات ، شماره تلفن  
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید .

### محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

نه سهوي معرفت ۱۰۴

۲۹